

«انسان» ناشناخته

ترجمه پاره‌ای از بحثها نیست که نویسنده شهیر و فقید سید قطب پیرامون مشکلات و گرفتاریهای پیچیده تمدن کنونی غرب در کتاب «الاسلام و مشکلات الحضارة» نموده، و ما از این شماره قسمتهای برجسته‌ای از این کتاب را تحت سلسله مقالاتی در اختیار خوانندگان ارجمند میگذاریم.

این عنوان از خود ما نیست بلکه از اصطلاحات دانشمندان اروپائی است که دانشمندان عصر جدید به مقام علمی و تازگی نظریات و تحقیقات و زحمات وی مشرفند.

این شخص کسی غیر از دکتر الکسیس کارل (۱) نیست و اصطلاح «انسان موجود ناشناخته» عنوان کتابی است که این دانشمند برشته‌تحریر در آورده، او در مقدمه همین کتاب خودش را به ما معرفی میکند و ما پیش از آنکه آراء این دانشمند بزرگ را دربارهٔ جهل خود نسبت به «انسان» اقتباس کنیم، لازم است قسمت زیادی از این تعریف را برای اهمیتی که در استدلالات آینده ما دارد، در این فصل نقل کنیم:

«من فیلسوف نیستم و تنها مرد دانشمندی که قسمت زیادی از عمر خود را برای مطالعه موجودات زنده در آزمایشگاهها گذرانده و قسمت دیگر را برای دیدن و شناختن ابناء انسان سپری کرده‌ام و در عین حال مدعی نیستم که بتوانم مسائلی را که خارج از قلمرو ملاحظات و تحقیقات علمی است حل کنم.

من در این کتاب سعی کرده‌ام که بین موجودات «معلوم» و «محمول» فرق گذارده شود و وجود مجهول را از ناشناختنی جدا کنم و «انسان» را خلاصه‌ای از مجموعهٔ مطالعات و تجربیاتیکه در تمام زمانها و کشورها شده است در نظر آورم و آنچه که بررسی شده یا خود دیده و یا از کسانی که با آنها معاشرت داشته‌ام فرا گرفته‌ام، و تمام آنچه و اشکال فعالیتهای انسانی را مورد مطالعه

(۱) DR. Alexis Carrel فیزیولوژیست و جراح و زیست‌شناس فرانسوی

در ۲۸ ژوئن ۱۸۷۳ در نزدیکی لیون (Lyon) فرانسه متولد شد و در سال ۱۹۰۰ از دانشکده پزشکی لیون درجهٔ دکترای طب تحصیل کرد و از همین دانشگاه دکترای علوم را گرفت و بعد از سالها که در آن دانشگاه مشغول تدریس بود به ایالات متحده آمریکا رفت و در مؤسسه «راکفلر» نیویورک برای تحقیقات علمی مشغول کار شد و پس از سی سال در سال ۱۹۳۹ بازنشسته گردید و در جریان جنگ جهانی اول به فرانسه بازگشت و در پست وزارت بهداشتی مشغول کار گردید و در سال ۱۹۱۲ برای موفقیتی که در تحقیقات گرانبهای پزشکی بدست آورد جایزه نوبل گرفت.

قرار دادیم و بافتیر و ویترومنین ، سالم و بیسار ، دانشمند و نادان ، کم عقل و دیوانه ، مذهب و جنایتکار ، روبرو شده بود با کشاورزان و کارگران ، نویسندگان و مجار ، کارفرمایان و صاحبان صنایع ، سیاستمداران و قضات ، لشکریان و سربازان جنگاها ، آموزگاران و روحانیون آشنائی داشتیم و نیز بر حسب اتفاق با فلاسفه و هنرمندان ، شاعران و علمای ، نوایح و عرفا مواجه گردیدیم و با عمده این احوال موفق شدیم ترکیبات میکائیکی پوشیده اندک کدر اعدادی یافتیم و پیچیدگیهای مغز بیکار افتاده و درستی پایداری پدیده های کالبدی و عقلی بشمار میرود بدست می آوریم . . .

من خود را مدیون فواید و شرایط زندگی جدید میدانم ، چون همین شرایط ، محقق و مشاهدات و ترجمه در پیرامون موضوعات متعدد در وقت بسیار کم ممکن ساخت ، من در دنیای جدید و قدیم زندگی کردم و امتیازی که دارم اینست که قسمت زیادی از وقت خود را در مؤسسه تحقیقات پزشکی **راکفلر** ، سپری کرده و مانند سایر دانشمندان یادم که توسط سمینور فلکسز و در این مؤسسه گرد آمده بودند . در آنجا از بزرگواران وجود داشتند اهل اطلاع و کسب نظریه چون ملتزور و هارلوپ و «نیگوش» و بسیاری دیگر موفق شدیم مطالبی را درباره پدیده های حیات بیست آوریم . تکامل استعداد فواید ماده ، فلکسز و تحقیق درباره موجودات زنده با نظر بسیار دوسهمن ترتیب گردید ، بطوری که تا آن زمان سابقه نداشت .

در این مؤسسه کیفیت فواید و همچنین تطویر شده زنده با تمام اقسام و اشکالی که دارد مورد تجسس و بررسی قرار میگرفت و با سعادت و اشعه ایکس و ساختن کوچکترین عناصری که در ترکیب خون و سلولهای بدن دخالت دارند و همچنین مولکولهای پروتئین و عواملی که آنها را جلوه دارم تشبیه میکنند کشف گردید .

البته در آنجا دانشمندان بودند که تلاش خود را در ترکیب سلولها معروف نموده اند که روابط و تبادل بین یکی و شیمیائی آنها که سبب دوام ترکیبها می باشد و محیط مناسبی برای زندگی سلولها می سازد و همچنین چگونه سلولها اجتماع سلولها و قوانینی که حسیتمندی آنها را با محیط داخلی محکم میکند و تأثیرات مواد شیمیائی در بدن و تصور آنس نیز مورد آزمایش قرار میگرفت .

در مؤسسه راکفلر دانشمندان دیگری وجود خود را وقف بیست و تحقیق در پدیده موجودات زنده یعنی ، فرورسها و باکتریها کرده اند که وجود آنها در خون ، مایه های بسیاری از داخل و بیرون می دارند و در باره و مسائل عجیبی که بدن ، آنها را برای استقامت در برابر بسیاری از استعدادهای می کند و همچنین در باره های گذشته ای از قبیل سلطان و امر از قلب و التهاب تبخومی و بالاخره مسئله مشکل «فرودیت» (۱) و اما شیمیائی آن را مورد توجه خاص خود قرار میدادند .

برای من فرستادند ماده های پیش آمده که توانستم بگفتار رجال بزرگی گذرد این قبیل

(۱) فرودیتش هر فردی غیر از خیماس مشترک انسان ، دارای خصوصیات خاصی است که او را از سایرین جدا و ممتاز میسازد .

مباحث تخصصی دارند گوش فرادم و نتایج تحریات آنها را به بینم . . . تا اینکه در اثر کوشش فراوان توانستم ماده جامد را در شکل سازنده اش بشناسم و خواص موجودات زنده و پیچیدگی جسم و عقل آدمی را درک کنم . . . این مطالب با عمده زیانتشان برای من روشن گردید .

و علاوه بر همه اینها موفق شدم پیرامون بسیاری از موضوعات گوناگون از فیزیولوژی گرفته تا مسئله شالبریکه (۱) تحقیق کنم ، البته این همه توفیقات مرهون روشها و تسهیلات جدیدی است که برای اولین بار در تاریخ بشر در اختیار علم قرار گرفته تا اینکه بتواند رسالت خود را انجام دهد .



چنین مردی که این همه موفقیتها شایسته شده و از فرستاده در راه کسب مملو است استفاده کرده و با اطلاعات فراوانی که درباره «انسان» دارد ، کتابی می نویسد بنام «انسان موجود ناشناخته» یعنی علم ما درباره انسان بسیار ناچیز است و تقریباً مساوی است با سفری در مادیات را در این مطلق نیست ، این موجود که خود را بشیم سر میبریم ، بگفتار پدیدار این مردم خواهد سخن بگوید .

دنیای ما این بخش در شماره آینده ملاحظه فرمائید

(۱) ماوراء الطبیعه

(بقیه از صفحه ۵۰) را در طرف شیشه ای ریخته و آب و شکر مورد لزوم را نیز آن اضافه می کنیم و در حدود ۵۰ سانتی متر مکعب آب اضافی جهت جبران تبخیر آب می افزاییم ، در این خاطر فیزیکی بیست و دقیقه میجوئیم ، و میگذاریم هر چه زودتر سرد شود و سپس سرشیر آن را می گیریم و در بطریهای تمیز برای وعده های مختلف ریخته و با چوبشیشه و یا پنبه تمیز و یا لاستیک دهانه طری را می بندیم و تا موقع مصرف بطری را در میان یخ میگذاریم .

بطریهایی که خالی میشوند با آب سرد میجوئیم و با آب پر می کنیم و روز بعد آنرا خالی کرده و با شیشه تمیزی تمیز می کنیم و تمام وسایل را مدت ۵ دقیقه میجوئیم و شیر ۲۴ ساعت مطابق دستور فوق تهیه می کنیم . پستانک بطری را با فاصله بعد از شیر دادن باید با دقت با آب سرد شسته شود ، مخصوصاً در بر شیر آب ، باید سوراخهای آنرا کاملاً تمیز نمود باید چندین عدد از این پستانکها باشند ، تا در هر وعده شیر دادن یکی از آنها را مصرف نمود و در آخر هر وعده آنها را با یکجا جوشانند و در زیر سرپوش نگه دارند و باید در موقع گذاشتن پستانک بر سر بطری ، طرف داخل آن و همچنین به نوک آن دست نزنند ، چنانچه سوراخ پستانک تنگ باشد میتوان با سوزنی که روی آتش سرخ شده باشد ، سوراخ آنرا گشاد نمود .